



محمود خان إحتشام السلطنة

وبازخوانی کتابچه سیاقیه
جمع و خرج دارالسعادة زنجان

«عبدناصری ۱۲۱۱ ه.ق»

• تألیف و تصحیح: دکتر محسن روستایی





محمود خان احتشام السلطنة

وبازخوانی کتابچه سیاقیه
جمع و خرج دارالسعادة زنجان

«عهدناصری ۱۲۱۱ ه.ق»

محمود خان
احتشام السلطنة
دارالسعادة زنجان
کتابچه سیاقیه
جمع و خرج
عهدناصری ۱۲۱۱ ه.ق



درباره کتاب

در عصر قاجار برای تأمین بودجه مملکتی که از طریق جمع آوری مالیات، صورت می پذیرفت، کتابچه نویسی بسیار پر بسامد بود و بدین منظور در دوره ناصری این نوع گزارشات و تلخیص نامه های دیوانی، برای ثبت و ضبط و نقشه راه بودن جمع و خرج های ولایات و ممالک محروسه ایران، به وفور دیده و سندنویسی می شده است

کتابچه فعلی 'جمع و خرج دو ساله دارالسعادة زنجان است که ابواب جمعی میرزا محمودخان احتشام السلطنه به شمار می آید. این کتابچه همانند سندگونه های هم تراز خویش، سرشار از اطلاعات تروتازه تاریخی و داده هایی است که تاریخ منطقه خمسه و زنجان را به طور مستند جز، شناسی می کند. علاوه بر شناخت واژه گان دیوانی و اقلیمی، این رساله مالی 'سرشار از مفاهیم رجال شناسی دوران قاجار است و به خصوص که در خلال صفحات متعدد، فهرست و سیاهه منظمی از شاهزادگان آن عصر و زمان ارائه می دهد.

درباره نویسنده

دکتر محسن روستایی، متولد ۱۳۴۲ دورود لرستان، تحصیل کرده دکترای زبان و ادبیات فارسی است. دکتر روستایی پس از دو سال تدریس در آموزش و پرورش از دهه ۱۳۷۰ تا به حال در زمینه علم سندناسی، متن خوانی خطوط قدیمه و خط سیاق، تصحیح نسخ خطی و اسنادی، منشأ آثار متعددی بوده است. تاکنون از ایشان چند عنوان کتاب مرجع و نیز دهها مقاله سندی پژوهی و تاریخی به چاپ رسیده است. وی در سال ۱۳۸۳ برنده جایزه کتاب سال؛ و در همان زمان به عنوان چهره ماندگار و ازجمله فرهیختگان استان لرستان برگزیده شدند.

از آثار تألیفی ایشان می توان به این عناوین اشاره نمود: تاریخ طب و طبابت در ایران به روایت اسناد، (۲ جلد)؛ تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد؛ ادبیات تاریخی و دیوانسالاری ایران، (عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه)؛ کتابچه اعداد نفوس اهالی دارالایمان قم، سرشماری جمعیت عهد ناصرالدین شاه، (۱۲۸۵ ق.)؛ اسناد مطبوعات ایران به روایت اسناد (۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش.)، (۴ جلد).

محمود خان إحتشام السلطنة

وبازخوانی کتابچه سیاقیه
جمع و خرج دارالسعادة زنجان

«عهد ناصری ۱۲۱۱ ه.ق»

• تألیف و تصحیح: دکتر محسن روستایی



روستایی، محسن،
محمودخان احتشام السلطنه و بازخوانی کتابچه سیاقیه جمع و خرج دارالسعادة زنجان "عهد ناصری ۱۳۱۱ ه.ق." /
تألیف و تصحیح محسن روستایی.
تهران: مهراندیش، ۱۴۰۲.
۱۵۲ ص.

DSRF-91

۹۵۵/۳۴۲

۹۷۸-۶۳۲-۷۸۴۷-۵۳-۶
۸۷۸۹۹۴۷



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «ا» مشخص می‌شود،
استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای
ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن درست
متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



محمودخان احتشام السلطنه و بازخوانی کتابچه سیاقیه جمع و خرج دارالسعادة زنجان «عهد ناصری ۱۳۱۱ ه.ق.»

- تألیف و تصحیح: دکتر محسن روستایی.
- طراح گرافیک: پیمان صفائی تهرانی.
- ویرایش، آماده‌سازی و نظارت فنی: مهراندیش.
- چاپ اول: تهران، ۱۴۰۲. چاپ: قشقای.
- ۵۰۰ نسخه. شماره نشر: ۳۳۵.
- شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۷۸۴۷-۵۳-۶.
- قیمت: ۱۴۹۰۰۰ تومان.



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت کامل و یا بخشی از
آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب
پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان فلسطین شمالی، بعد از خیابان بزرگمهر، نرسیده به خیابان انقلاب،
بن‌بست نیلوفر، شماره ۱، واحد یک. کدپستی: ۱۴۱۶۹۳۴۱۱۳
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۹۳۶۵ همراه: ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲



www.mehrandishbooks.com

mehrandishnashr@gmail.com

f mehrandishnashr

@ mehrandishbooks

@mehrandishbooks

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۹	احتشام السلطنه و حکومت خُمسه (زنجان).....
۱۰	حکام خُمسه از دورهٔ زندیه تا پایان حکومت قاجاریه.....
۱۹	جغرافیای سیاسی - تاریخی زنجان (خُمسه).....
۲۰	موقعیت جغرافیایی و برآورد جمعیتی استان زنجان.....
۵۵	کتابچهٔ جمع و خرج دو سالهٔ دارالسعادة زنجان.....
۱۲۹	نمایه: اصطلاحات دیوانی و
۱۳۳	منابع و مأخذ.....
۱۳۹	نمونه تصاویری از کتابچه سیاقی.....

پیشگفتار

«سحر با باد می‌گفتم حدیثِ آروزمندی خطاب آمد که واثق شوبه الطاف خداوندی»

سپاس پروردگار بزرگ و بخشنده را که یاری فرمود تا سندی دیگر از تاریخ محلی و ملی سرزمینم را بازخوانی و تحلیل بنمایم. این سند کتابچه جمع و خرج دو ساله دارالسعادة زنجان است که ابوابجمعی میرزامحمودخان احتشام السلطنه به شمار می‌آید.

این کتابچه همانند سندگونه‌های همطراز خویش، سرشار از اطلاعات ترو تازه تاریخی و داده‌هایی است که تاریخ منطقه خمسه و زنجان را به‌طور مستند جزءشناسی می‌کند. علاوه بر شناخت واژه‌گان دیوانی و اقلیمی، این رساله مالی سرشار از مفاهیم رجال‌شناسی دوران قاجار است و بخصوص که در خلال صفحات متعدد، فهرست و سیاهه منظمی از شاهزادگان آن عصر و زمان ارائه می‌دهد.

در عصر قاجار برای تأمین بودجه مملکتی که از طریق جمع‌آوری مالیات، صورت می‌پذیرفت، کتابچه‌نویسی بسیار پر بسامد بود و بدین منظور در دوره ناصری این نوع گزارشات و تلخیص‌نامه‌های دیوانی، برای ثبت و ضبط و نقشه راه بودن جمع و خرج‌های ولایات و ممالک محروسه ایران، به وفور دیده و سندنویسی می‌شده است. در صفحه آغازین این سند خرج که از اسناد فرد و برات‌های مختلف تهیه و صورت‌برداری شده، در گوشه سمت چپ بالای آن، خطاب، دستخط و توشیح ناصرالدین‌شاه به چشم می‌خورد که بدین وسیله دستورالعمل مالیات‌گیری دو ساله میرزامحمودخان احتشام السلطنه را به او تأکید می‌کند. و از مستوفیان دیوانسالار می‌خواهد که فحوا و محتوای این کتابچه را که به تشخیص و مقابله رسانده‌اند، ثبت در دفاتر خلود، نموده ضمانت عملی آن را به موقع اجرا بگذارند.

باری نگارنده برای بازخوانی و بازیافت این کتابچه به سه وابستگی اصلی آن، توجه ویژه داشته است که عبارتند از: اصالت متن پژوهی در بازگردان و ترجمه ارقام و اشکال سیاقیه، تدوین جغرافیایی تاریخی زنجان و سوم هم رجال‌شناسی میرزا محمودخان احتشام السلطنه است که تلاش شد؛ در حد بضاعت حق این سه محور کتاب ادا شود. حال تا چه اندازه در انجام این وظیفه خطیر موفق بوده‌ایم؛ در این میان به آرای صاحب‌نظران و تفقد خوانندگان محترم بسی محتاج و بر رهنمون آنان تکیه خواهیم کرد. در پایان نیز جا دارد از ناشر محترم که دلسوزانه چاپ و نشر این کتاب را به عهده گرفته‌اند تشکر ویژه بنمایم.

امید دارم که در این پژوهش اندک، توانسته باشم قدمی به گام‌های علم‌سندشناسی و سیاق‌خوانی‌های مبنایی بیافزایم. هر چند که بار سنگین این مسئولیت، در مراحل و منزلگاه‌های بعدی می‌تواند بهتر و کامل‌تر شود.

«قلم را آن زبان نبود که سرّ عشق گوید باز و رای حدّ تقریرست شرح آرزومندی»

أَمِينَ الْمُتَوَكِّلُونَ

محسن روستایی

احتشام السلطنه و حكومت خمسه (زنجان)

حکام خمسة از دوره زندیه تا پایان حکومت قاجاریه

به سال ۱۱۷۶ق. و در بحبوحه جنگ‌های مدعیان سلطنت، حکومت خمسة و عراق (اراک) از سوی کریم‌خان زند به ذوالفقارخان افشار واگذار شد. مطامع و اهداف توسعه طلبانه‌ای که خان افشار در سر می‌پروراند و به برخی از آن‌ها جامه عمل می‌پوشاند، سرانجام موجب اعدام وی در سال ۱۱۹۵ق. به دستور علی‌مرادخان زند - حاکم اصفهان و تهران و قزوین - گردید.^۱

از دوران برپایی حکومت قاجاریه توسط آقامحمدخان قاجار، حکومت زنجان در شمار مناصب مهم قرار گرفت و بدین‌سان، در عهد ناصری خویشان پادشاه و نزدیکان امین‌السلطان^۲ صدراعظم ناصرالدین‌شاه قاجار - در اولویت تصاحب این منصب بودند. در شمار حاکمان زنجان از دوره آقامحمدخان تا پایان حکومت قاجاریه می‌توان علی‌خان افشارزایرلو (حک: ۱۱۹۷-۱۱۱۲ق.)؛ عبدالله‌خان اوصانلو؛ عبدالله‌میرزا - پسر یازدهم فتح‌علی‌شاه - که دوباره به حکومت زنجان رسید؛ فتح‌الله‌میرزا شعاع‌السلطنه (برادر عبدالله‌میرزا)؛ سلطان مراد میرزا احسام‌السلطنه (پسر سیزدهم عباس‌میرزا نایب‌السلطنه)؛ سلیمان‌خان گیلانی امیرتومان؛ حمزه‌میرزا حشمت‌الدوله (پسر بیست و یکم عباس‌میرزا)؛ امیراصلان‌خان معجدالدوله؛ چراغعلی‌خان سراج‌الملک؛ محمدرحیم‌خان

۱. تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه، صص ۱۶۸-۱۷۱ و ۲۲۸-۲۳۱ون: زنجان در عصر مشروطه، صص ۱۴-۱۵.

۲. امین‌السلطان: میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان (۱۲۷۵-۱۳۲۵ق.). القاب او عبارت بودند از: صاحب جمع، امین‌الملک، امین‌السلطان و اتابک اعظم. او در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه مدتی صدراعظم بود و در سال ۱۳۲۵ق. به دستور محمدعلی‌شاه مجدداً به همین سمت منصوب شد. برای اطلاعات بیشتر درباره وی، ن. ک: چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، صص ۴۶۳-۴۶۴ون: شرح حال رجال ایران بامداد، ج ۲، صص ۳۸۷-۴۲۵.

علاءالدوله؛ محمدتقی میرزا رکن الدوله؛ عبدالصمد میرزا عزالدوله؛ عباس میرزا ملک آرا؛ ناصرقلی خان عمیدالملک؛ اللهقلی میرزا ایلخانی؛ ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله؛ حسینقلی خان مافی سعدالملک؛ محمدعلی امین الحضره؛ محمودخان علامیر دولو احتشام السلطنه؛ عبدالعلی میرزا احتشام الدوله (احتشام الملک)؛ وجیه الله میرزا سیف الملک (امیرخان سالار)؛ میرزا احمدخان علاءالدوله^۱؛ ابوالفتح میرزا سالارالدوله؛ قهرمان میرزا سالور (میرزامهدی خان کاشانی)؛ و... را نام برد.^۲

احتشام السلطنه (حاکم زنجان)

محمودخان علامیر، معروف به احتشام السلطنه، از طایفه قاجار- ایل دولو- و فرزند محمدرحیم خان علاءالدوله- امیرنظام- است.^۳

زندگی نامه

احتشام السلطنه روز شنبه سال ۱۲۷۹ق. برابر با ۲۷ ژوئیه ۱۸۶۳م. در تهران متولد شد. وی در شش سالگی مادر خود را از دست داد؛ و چنانکه خود در خاطراتش می گوید، در این زمان عمه اش از آن ها سرپرستی می کرد. محمودخان، بعد از پایان تحصیلات، نخستین بار در اواخر سال ۱۲۹۶ق. با خانم نیره قدسی دختر خازن الملک ازدواج کرد و سپس، در سال ۱۲۹۷ق.، به خدمت دولتی درآمد و سمت یوزباشی کشیکخانه را به عهده گرفت. طولی نکشید که در سال ۱۲۹۸ق. به فرمان ناصرالدین شاه، با درجه سرتیپی، مأمور بردن خلعت برای پدرش شد که در آذربایجان به سر می برد.^۴

محمودخان علامیر بعد از فوت پدرش به تهران آمد و از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ق. در

۱. محمدرحیم خان از بزرگان قاجار دژلو به شمار می رفته است. پس از فوت برادر بزرگتر یعنی حسن خان، به سمت برادر که نسقچی باشی بود، دست یافت. در سال ۱۲۷۴ق. جزو نویسندگان وزارت خارجه قرار گرفت و ۱۲۷۸، ملقب به «علاءالدوله» گردید؛ یکسال بعد، با سمت سفیر کبیر فوق العاده، مأمور دربار عثمانی شد. او نخستین کسی است که در عهد قاجار به سمت «وزیر اعظم دربار» که ابداعی ناصرالدین شاه بود، منصوب گردید. ۲۹۸ق. درحالی که وزیر دربار و کشیکچی باشی بود، پیشکار مظفرالدین شاه شد و با اختیارات کامل به آذربایجان روانه گشت و در همین سال به لقب امیرنظام مفتخر شد. در شمار فرزندان وی می توان از میرزا احمدخان علاءالدوله ثانی (مقتول: ۱۳۲۹ق.) و میرزامحمودخان علامیر دولو (احتشام السلطنه) نام برد. ن. ک: شرح رجال ایران. بامداد، ج ۳، ص ۳۹۷؛ القاب رجال دوره قاجاریه، صص ۱۱۰-۱۱۱.

۲. مطابق فرمان صادره از سوی مظفرالدین شاه قاجار، علاءالدوله در شعبان سنه ۱۳۱۳ه. ق. حکمران زنجان بوده است. ن. ک: فرامین شاهی دوره قاجار دارالسعادة زنجان، ص ۱۲۵.

۳. زنجان در عصر مشروطه، صص ۲۱۸-۲۱۹ ون: شرح حال رجال ایران بامداد، ج ۴، ص ۳۳.

۴. زندگی نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، ص ۲۷.

۵. همان، صص ۳۲-۳۴؛ القاب رجال دوره قاجاریه، صص ۲۶-۲۷.

مقام قوللر آقاسی باشی دربار خدمت کرد. در اوایل سال ۱۳۰۶ق.، از طرف ناصرالدین شاه به احتشام السلطنه ملقب شد و به حکومتِ خمسهِ مأمور گردید. ۱۳۰۹ق.، به تهران احضار شد و تا سه سال شغل ثابتی نداشت. در سال ۱۳۱۲ق.، از طرف شاه به سمت مستشار اول سفارت، عازم پترزبورگ گردید و پس از مراجعت، در همین سال کارپرداز اول بغداد گردید. وی در ۱۳۱۴ق. به تهران احضار و به سمت معاونت وزارت امور خارجه منصوب شد. در این برهه از زمان، او عضو مؤثر و فعال انجمن معارف بود و سهم بسزایی در پیشبرد آن داشت.

۱۳۱۶ق.، احتشام السلطنه به حکومت کردستان منصوب و به سال ۱۳۱۹ق. / ۱۹۰۱م.، به سمت وزیر مختار ایران در برلین انتخاب گردید و به کشور آلمان رهسپار شد. در این زمان بود که دومین ازدواجش با خانمی فرانسوی صورت گرفت.^۱

بعد از سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ، در سال ۱۳۲۳ق.، محمودخان علامیر به ایران بازگشت؛ و از آنجایی که در جریانات مشروطه خواهی شرکت کرد و با درباریان حامی سلطنت به مخالفت برخاست با عنوان ریاست هیئت تحدید حدود ایران و عثمانی، به نقاط مرزی تبعید شد.

در سال ۱۳۲۵ق. / ۱۲۸۶ش.، احتشام السلطنه به ریاست مجلس انتخاب شد و شش ماه در این پست قرار داشت^۲ و پس از استعفا به وزیر مختاری ایران در لندن منصوب گردید. پس از سه ماه، بار دیگر وزیر مختار ایران در برلین گردید. در دوره سوم مجلس شورای ملی، وی در تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد ولی از قبول آن امتناع ورزید. به سال ۱۳۲۹ق.، در سمت سفیر کبیر ایران به استانبول رفت و این درست مقارن با جنگ جهانی اول بود. احتشام السلطنه در سال ۱۳۰۲ش.، به ایران آمد و با استقرار حکومت پهلوی اول، نام «مسعود دولو» را برای خود برگزید.^۳ به سال ۱۳۰۵ش.، برای مدت کوتاهی (شش ماه) وزیر کشور در کابینه مستوفی الممالک بود. پس از آن در کمیسیون معارف فعالیت کرد و چندی ریاست این کمیسیون را بر عهده داشت. به سال ۱۳۱۳ش.، با دختری به نام اخترالزمان ازدواج کرد و از او صاحب پسری به نام جواد شد. سرانجام،

۱. همان، صص ۳۴-۳۵؛ ون: همان، ص ۲۷.

۲. مجلس در دوران ریاست احتشام السلطنه کارهای بزرگی از پیش برد، نظیر: تدوین متمم قانون اساسی، تنظیم بودجه مملکتی، تقلیل حقوق شاه و شاهزادگان و تصویب قانون انطباعات. ن. ک: تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، بخش ۲، ص ۲۸۹.

۳. در انتهای مطالب کتاب «خاطرات احتشام السلطنه» چنین آمده است: «العبد الفانی: مسعود دولو- احتشام السلطنه». ن. ک: خاطرات احتشام السلطنه، ص ۷۲۶.

احتشام السلطنه و حکومت خمه (زنجان) ۱۳/

روز یکشنبه پنجم بهمن ۱۳۱۴ ش.، در سن ۷۵ سالگی درگذشت و در باغچه علیجان که مجاور حضرت عبدالعظیم بود، دفن گردید.^۱

احتشام السلطنه به دلیل مأموریت‌های زیادی که در کشورهای خارجی داشت، برای مدت‌ها در آن کشورها اقامت گزید. این امر موجب شد تا وی قادر شود به زبان‌های ترکی، آلمانی و فرانسوی صحبت کند و در شمار حامیان متجددین قرار بگیرد. بایسته است یادآوری شود که وی به سنت و فرهنگ ایران و مذهب اسلامی نیز پایبند بوده است.^۲

پذیرش حکومت خمه

احتشام السلطنه (مسعود دولو) راجع به ماجرای پذیرفتن پیشنهاد حکومت خمه از سوی امین السلطان - صدراعظم - در کتاب خاطراتش نوشته که در یک بعدازظهر به دوشان تپه می‌رفته، در راه اتابک اعظم را در کالسکه دیده، صدراعظم نیز به او اصرار کرده که به کالسکه او بیاید؛ سپس، در طول راه، اتابک اظهار التفات نموده، پیشنهاد حکومت خمه را به او کرده است. احتشام السلطنه در ابتدا مایل به قبول این مأموریت نبوده، اما امین السلطان در تهران به وی اظهار کرده که علت انتخاب شما وضع بی‌اندازه پریشان و مغشوش خمه است. درحالی‌که این ولایت در ذیل اداره خصوصی بنده می‌باشد و ایلات آن وابسته به بنده هستند، برادر اینجانب آنجا حکومت دارد و خیلی با مردم بد رفتاری کرده، آبروی طایفه مرا برده است. نمی‌توان هر کسی را به آنجا فرستاد چراکه به ملاحظه عداوت یا خودنمایی، نه تنها از برادرم دفاع نخواهم کرد، بعید نیست موجب به خطر افتادن جانش شود و بدی‌های او را در نظر شاه و مردم خیلی بالاتر از آنچه هست جلوه دهد. از آنجایی‌که جنابعالی جزء خانواده محترمی هستید و بنده اعتماد کلی به شما دارم، یقین دارم برادر مرا به سلامت از آنجا راهی خواهید کرد.^۳

مشکلات حکمرانی بر خمه

احتشام السلطنه حکومت خمه را بسیار مشکل و توأم با دردسر دانسته است. دلیل این امر را در وهله اول به خاطر حضور خوانین قدرتمند و سرکشی افرادی چون جهان‌شاه خان

۱. شرح حال رجال ایران بامداد، ج ۴، صص ۳۳-۳۴ ون: زندگی‌نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، صص ۳۵-۳۷.

۲. زندگی‌نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، ص ۳۷.

۳. خاطرات احتشام السلطنه، صص ۶۳ و ۸۴.

امیرافشار^۱ و سردار اسعدالدوله^۲ می‌داند که حاکمین محلی را نادیده می‌گرفتند و مستقیماً با شخص امین السلطان ارتباط برقرار می‌کردند.^۳

وجود املاک و منافع شخصی شاهزادگان قاجار، و وزرا و اعیان قاجاری در خمسه، دومین مشکلی بود که احتشام السلطنه از آن در کتاب خاطراتش یاد می‌کند. چراکه این افراد در کار حاکم محلی بسیار دخالت می‌کردند و زنجان را به صورت یک ملوک الطوایفی درآورده بودند.

مشکل دیگر حکومت بر زنجان، دخالت برخی از روحانیون متنفذ شهر و شاگردان ایشان در کار حکومت بود.^۴

«علما و روحانیون معروف خمسه عبارت بودند از: آخوند ملاقربانعلی معروف که مردی وارسته و فقیه و عالم و مورد توجه عموم مردم بود، ابتدا با هیچ حکومتی رفت و آمد نمی‌کرد...؛ در هنگام حکومت من در زنجان، تلامذ آخوند در سایه او خیلی شرارت می‌کردند.

در کنار میدان مقابل دارالحکومه مسجدی است که خیلی خوب ساخته شده و به مسجد شاه معروف است. طلاب این مدرسه... کارشان به جایی رسیده بود که هر وقت مقصری را از بازار به دارالحکومه می‌آوردند یا به صرافت خود و یا به تحریک طلاب به مسجد برده و پناه می‌دادند و مأمورین حکومت هم در مقابل ایشان اقتداری نداشتند. سید اسدالله نامی از رؤسای آن مدرسه بود که به طریق سلاطین احکام می‌نوشت و بالای آن را مهر می‌کرد. و برای جمع‌آوری پول و تأمین هزینه بعضی از حرکات و آشوب‌طلبی‌ها احکامی به این طرف و آن طرف می‌فرستاد... در هر صورت طلاب مدرسه شاه با استظهار به حمایت آخوند

۱. جهان‌شاه خان امیر افشار: او فرزند سردار فاتح کرسفی است. کرسف قصبه‌ای در قسمت جنوب‌شرقی شهر زنجان و به فاصله چند کیلومتر از جایگاه شهر قدیمی و تاریخی سهرورد قرار دارد. جهان‌شاه که نام اصلی اش محمدحسن خان می‌باشد، ظاهراً در سال ۱۲۱۷ ش. متولد شده، به سال ۱۳۰۷ ش. در نجف اشرف درگذشته است. او بزرگ‌ترین و قدرتمندترین مالک و خان منطقه خمسه (زنجان) بوده، قلمرو حکومت و نفوذش از طرفی به همدان و از طرف دیگر به گروس و حدود اردبیل منتهی می‌شده است. و دیگر خوانین منطقه مجبور به سرسپردگی از بوده‌اند و حتی حکام اعزامی از مرکز نیز از او حساب می‌بردند، ری مالک هفتاد روستا بین ابهر و گروس در جنوب خمسه بود و کرسف در منطقه خداپنده پایگاه اصلی او به شمار می‌رفت. ن. ک: زنجان در عصر مشروطه، ص ۲۴.

۲. سردار اسعدالدوله: نواده ذوالفقارخان خمسه‌ای اولین حاکم زنجان در زمان کریم خان زند، که در سال ۱۱۸۱ ش. به حکومت خمسه دست یافت، تنها رقیب جهان‌شاه خان امیرافشار بود و حدود صد روستا در شمال خمسه در انگوران، زنجان‌رود، آنجه‌رود و طارم، یعنی منطقه قزل اوزن، را در اختیار داشت و طارم مرکز نفوذ او محسوب می‌شد. ن. ک: زنجان در عصر مشروطه، ص ۲۵.

۳. تاریخ زنجان، ۱۳۷۹، ص ۷۷؛ زنجان در عصر مشروطه، ص ۳۸.

۴. همان، صص ۷۹-۸۰؛ همان، صص ۳۹-۴۰.

ملاقربانعلی و جمعیت خود در امورات مداخله می کردند و حکومت در مقابل آخوند و نفوذ و جمعیت آن ها و دخالت هایی که در امور می کردند به کلی بی اقتدار بود.

روحانی دیگر زنجان، حاجی میرزا ابوالمکارم بود. خیلی خوش خط و فرنگی مآب بود. منزل مرتب و اجزای مفصل داشت. اخلاقش بهتر از برادرانش بود و میانه خوبی هم با برادرانش نداشت و کمتر از دو برادرش [در امور حکومتی دخالت می کرد].^۱

انتظام در خمسه

احتشام السلطنه در اولین شب ورود به خاک خمسه، با جمعیت انبوهی مواجه شد که برای شکایت از شخصی شرور به نام نبی خان - برادر مصطفی قلی خان میرشکار - نزد او آمده بودند. بنابراین، این فرد را که صاحب ایل و نیرو بود، احضار کرد ولی وی اعتنا به این دستور نکرد. از طرفی زمانی که ناصرالدین شاه و همراهانش قصد مسافرت به فرنگستان را داشتند، از مقابل نبی خان که با سوارانش جهت استقبال از شاه در جاده صف کشیده بودند، عبور کرد، احتشام السلطنه بی درنگ دستور داد تا نبی خان را دستگیر کنند. اما به خاطر وساطت امینه اقدس حرم سوگلی شاه یعنی زن طرف اعتماد و خزانه دار ناصرالدین شاه، تعهداتی از نبی خان گرفت و او را آزاد کرد.

«ولی به واسطه توسل میرشکار و کسان نبی خان به امینه اقدس حرم سوگلی شاه یعنی زن طرف اعتماد و خزانه دار شاه و خواهر و عمه منیجک معروف و وساطت او نزد من. دیدم دیگر قبول نکردن صورت امکان ندارد و به لجاجت و سوء نیت تعبیر می شود و چه بسا که در دسرهای دیگر هم فراهم کند. صورتاً تعهداتی از نبی خان اخذ کردم و ملتزم شد به کسی تعدی نکند و رفع عرض و عارضین را بنماید. ولی معلوم نیست به تعهدات خود عمل کرده باشد. مداخله ناروا برای استخلاص نبی خان دلیل برای دلسردی من گردید».^۲

در سال دوم حکومت احتشام السلطنه، هدایت الله خان شاهسون دویرن پسر حبیب الله خان امیر توپخانه که کارش ایجاد ناامنی در منطقه بود، از زندان آزاد شد. بلافاصله، غارت خمسه و به آتش کشاندن دهات را آغاز کرد. در نتیجه، احتشام السلطنه با حسن علی خان امیر نظام گروسی - پیشکار آذربایجان - متحد شد و بدین سان برای

۱. خاطرات احتشام السلطنه، صص ۸۸-۸۶.

۲. خاطرات احتشام السلطنه، صص ۹۲-۹۳؛ ون: زندگی نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، صص ۴۱-۴۲.

سرکوب به طرف مقر او روانه شدند. هدایت الله خان که مستأصل شده بود، به خانه شیخ الاسلام پناه برد؛ اما در همان خانه دستگیر؛ سپس، در میدان شهر پیش چشم مردم به چوب بسته شد و سرانجام به زندان افتاد.^۱ احتشام السلطنه در دوران حکومت خود بر خمره، پیشکار وزیر مالیه یعنی میرزا اشرف را به خاطر سوء رفتار و گفتار با مردم برکنار کرد و منشی و پیشکار قدیمی پدرش را که در نزد عموم به درستکاری مشهور بود، از تهران فراخواند و به جای او منصوب نمود.^۲

منصب امیرتومانی

احتشام السلطنه در اواخر سال دوم حکومتش، بر حسب اجازه دربار، ابتدا به تهران آمد؛ سپس، به حضور ناصرالدین شاه قاجار در جاجرود رسید و از شاه فرمان منصب امیرتومانی را با تقدیر و تحسین دریافت و متعاقباً به زنجان مراجعت نمود.

در مدتی که احتشام السلطنه در تهران بود، اطلاع یافت که دو نفر دزد در زنجان به خانه یک روحانی رفته، او را با قمه زده و انگشت دستش را قطع کرده اند. لذا، زمان بازگشت به زنجان، پس از تحقیقات لازم، دزدان را دستگیر نمود. و با اعتراف و اقرار دزدان، موافق حکم شرع، یکی را یک دست و دیگری را یک دست و پا بریدند. همزمان با اجرای حکم، آخوند قربانعلی - مجتهد بزرگ زنجان، پانزده قران انعام به فراشی که حکم را اجرا کرده و گفته بود: «این مزد اجرای حکمی چنان عادلانه است».^۳

آهنگ آبادانی در خمره

در دوران حکومت احتشام السلطنه بر زنجان، آهنگ آبادانی خمره نیز نواخته شد؛ چراکه وی به اقدامات و اصلاحات عمرانی چون: متحدالشکل کردن لباس پلیس، تعمیر بعضی عمارات خمره، تأسیس داروخانه، آوردن پزشک از تهران به زنجان، ساختن قنات و آب انبار و سرشماری جمعیت شهر زنجان و اطراف آن، دست زد. در شهر زنجان خیابانهای متعددی احداث کرد و عمارت کلاهفرنگی جدیدی برای حکومت خمره ساخت. صنایع محلی را که سالها پیش از آن تعطیل شده بود، مجدداً تشویق و

۱. خاطرات احتشام السلطنه، صص ۶۷-۶۸.

۲. زندگی نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، ص ۴۷.

۳. خاطرات احتشام السلطنه، صص ۱۱۶-۱۱۷ و ن: زندگی نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، صص ۴۸ و ۵۰.

احتشام السلطنه و حکومت خمه (زنجان) ۱۷/

راه اندازی کرد؛ که در شمار آن ها صنایع چرم سازی، تفنگ سازی و چاقو سازی را می توان نام برد. راه اندازی این صنایع موجب اشتغال افراد به کار و تربیت کارگر و حتی استادکار شد.^۱ در هنگام بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوش به فرنگ و اقامت کوتاه مدت در شهر زنجان، احتشام السلطنه از صنایع این شهر به شاه پیش کشی هایی تقدیم نمود که چاقوی قلمدان، قمه همانند کار داغستان، تفنگ خوب، کیف های جای کاغذ بسیار خوب و صندلی های سفری از آهن و چوب از جمله آن ها بوده اند.^۲ در سال ۱۳۰۹ ق.، پس از ایجاد نظم و امنیت در خمه، احتشام السلطنه از دولت درخواست انضمام قزوین به حوزه حکومت زنجان را مطرح کرد؛ و دولت هم موافقت خود را طی تلگرافی چنین اعلام نمود: «چه مبلغ تقدیمی می دهی!». احتشام السلطنه که نه اهل رشوه گرفتن و نه رشوه دادن بود، در عکس العمل به این تلگراف، در خاطرات خود نوشته است: «یأس و ناامیدی که از اصلاح مملکت داشتم، تشدید شد. از پنج هزار تومان تقدیمی و پیشکشی گفت و گو بود!! و من مأیوس از اینکه هنوز مسئله تقدیمی و پیشکشی و ... رایج است».

باری، با چنین پیشنهادی که از طرف حکومت شد، احتشام السلطنه از تصمیم خود منصرف گردید. پس از چند روز معلوم شد که شاهزاده ابوالنصر میرزا حسام السلطنه، با دادن هشت هزار تومان، به حکومت قزوین رسیده است.^۳

استعفا از حکومت خمه

در پایان سال سوم حکمرانی، احتشام السلطنه مطلع شد که شاهزاده عبدالعلی میرزا احتشام الدوله^۴ - پسر دوم فرهاد میرزا معتمد الدوله - قصد حکومت خمه را دارد. از آنجایی که وی اهل دادن پیشکش برای ابقا و ادامه حکمرانی نبود، استعفای خود را تقدیم

۱. زندگی نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، ص ۵۰.

۲. جستارهایی در تاریخ زنجان، ص ۲۷۴.

۳. خاطرات احتشام السلطنه، ص ۱۱۸ و: زندگی نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، صص ۴۸-۴۹.

۴. احتشام الدوله: عبدالعلی میرزا پسر دوم فرهاد میرزا معتمد الدوله که در زمان حیات پدر ملقب به احتشام الملک بود، ولی بعد از فوت پدر ابتدا لقب سابق برادر بزرگش - سلطان اویس میرزا - یعنی احتشام الدوله به وی واگذار شد و سپس، عبدالعلی در پی درگذشت برادر بزرگ، لقب معتمد الدوله را که متعلق به او بود، تصاحب نمود. او با پرداخت بیش از بیست هزار تومان پیشکش توانست حکومت زنجان را به دست آورد. بدین سان، وی از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰ بر زنجان حکمرانی کرد. ن. ک: دوله ها و سلطنه ها در عصر قاجار، ص ۲۱.

دولت کرد؛ ولی پذیرفته نشد و دستور رسید که چند ماه صبر کند. سرانجام، روزی از برادرش تلگرافی بدین مضمون به دستش رسید: «حالا که شما تحصیل اجازه کرده‌اید، فردا عزیمت نمایید». احتشام السلطنه راجع به برداشت خود از این تلگراف می‌نویسد: «از مضمون تلگراف این طور فهمیدم که حاکم جدید در راه است و برادرم نخواسته که هنگام ورود او، من در محل باشم». فردای دریافت این پیام، او به طرف تهران حرکت کرد. در این موقع هنوز شاه و دولت به طور قطع شاهزاده احتشام الدوله را حاکم نکرده بودند و در مورد مبلغ پیشکشی اختلاف نظر داشتند. بالاخره، شاهزاده با بالا بردن تقدیمی، در سال ۱۳۰۹ق. به جای احتشام السلطنه حاکم زنجان گردید.^۱

۱. خاطرات احتشام السلطنه، صص ۱۱۸-۱۲۱؛ زندگی‌نامه سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه (دومین رئیس مجلس شورای ملی)، ص ۴۹ ون: زنجان در عصر مشروطه، ص ۴۱.